



مخاطرات محیطی نوپدید شهر تهران

دکتر مراد کاویانی راد*

اشاره:

مهاجرپذیری شهر تهران و افزایش جمعیت این شهر، به همراه دگرگونی‌های آب و هوایی در قالب کاهش بارش و افزایش دما، راه‌بندان، آلودگی هوا و برداشتهای بی‌رویه از آبخوان‌ها و پیامدهای زنجیره‌وار برخاسته از چالش‌های آنها، زیست‌پذیری شهر تهران را به شدت فرو کاسته است. بر باور کارشناسان، تهران بیش از دو دهه است که توانش‌های بوم‌شناختی‌اش پایان یافته است و دیگر توانش بازسازی طبیعی خود را ندارد و طی این مدت نیز بر شکنندگی محیط زیست آن افزوده شده است. چنین وضعیتی این شهر را هر دم پذیرای پیشامدها و رویدادهای ناگهانی می‌کند که در صورت رخداد، هزینه‌های جانی و مالی کلانی بر شهروندان وارد خواهد کرد که بی‌گمان با توجه به وزن ژئوپلیتیک تهران در مقیاس ملی و بین‌المللی، امنیت و ثبات کشور را نیز بر خواهد آشفته. تابستان امسال دو پدیده افزایش و گسترش مگس سفید در سراسر شهر تهران و فرونشست زمین در خود شهر و پیرامون آن، زنگ هشدار را به صدا درآورد. چالش آنجاست که داده‌های موجود گویای آن هستند که رخدادهای یادشده، پایدار به شمار می‌آیند و بر سویه‌ها و گستره آنها افزوده خواهد شد. متن حاضر، مخاطره‌های یادشده را بنیاد واکاوی زیست‌پذیری شهر تهران قرار داده و از این دید به بررسی وضع کنونی پرداخته است.

مقدمه

محیط جایی است که زیست و پویای انسان‌ها را احاطه کرده و شامل محیط اجتماعی و محیط طبیعی می‌شود. خاک، جو، رُستنی‌ها و حیات وحش، نمودهایی از محیط طبیعی به شمار می‌روند. سازه‌ها و ساختمان‌ها، ترابری، صنعت، فرهنگ، زبان و نظام‌های سیاسی نیز نمودهایی از تعامل و کنش انسان

و اجتماع در محیط هستند. در این میان، مخاطرات محیطی، پیشامد ناگهانی یا تدریجی با خاستگاه طبیعی یا انسانی به شمار می‌روند که برخاسته از آنها، سلامت و امنیت گستره زیست و اسکان بشر با خطر مواجه می‌شود. این گونه مخاطرات، بر ایند آشفستگی نظام حاکم بر محیط طبیعی هستند. بدین معنا که هر زمان تعادل و هماهنگی جمعیت با منابع پیرامونی به نابرابری، ناهماهنگی و بهره‌کشی فزاینده از بنیادهای زیستی بیانجامد، پیدایش مخاطرات محیطی گوناگون و زنجیره‌وار پیامد تبعی آن خواهد بود. بر بنیاد یافته‌های موجود، مخاطرات محیطی یک باره رخ نمی‌دهند بلکه بر ایند ناهماهنگی‌ها و دست‌اندازی‌های



درازمدت بشر در طبیعت هستند. حتی رویدادهایی مانند زمین لرزه، سیل، بهمن، برف یا سنگ، آذرخش، خشکسالی، طوفان، تگرگ و تازش آفات در صورتی هزینه‌بر و تباه‌گر به شمار می‌روند که ساکنان ناتوان از سازگاری و هماهنگی با قوانین طبیعی حاکم بوده باشد. توزیع فضایی مخاطرات طبیعی به عنوان متغیر وابسته، تابعی از ماهیت پدیده، موقعیت جغرافیایی، ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، وضعیت بوم‌شناختی، رویکرد مجریان و تصمیم‌گیرندگان، اهمیت پدیده، سطح توسعه‌یافتگی و برخورداری است. شماری از تخریب‌ها و فروسایه‌های محیطی تابعی از موقعیت جغرافیایی، ویژگی‌های اقلیمی و زمین، ریخت‌شناسی، نگرش عمومی به محیط زیست، مدیریت ناکارآمد، قوانین به روزنشده، مصرف‌گرایی و ناآگاهی نسبت به ارزش واقعی منابع، مکان‌یابی نادرست شهرک‌ها و صنایع، نظام ناکارآمد توزیع و مانند آن هستند.

مبحث توسعه پایدار با سرنوشت ملت‌ها در زمینه محیط زیست پیوسته شده و برنامه‌های توسعه، ناگزیر از هماهنگی با برنامه‌های آمایشی شده‌اند. بر بنیاد داده‌های موجود، محیط جغرافیایی بسیاری از کلان‌شهرهای کشورمان توانش اکولوژیک و بازسازی خود را از دست داده‌اند. برای نمونه توانش بوم‌شناسی کلان‌شهر تهران بیش از دو دهه است که ناپود و محیط زیست آن به شدت شکننده شده است. گسترش فزاینده سفیدبالک یا مگس سفید و نشست زمین از نزدیک‌ترین مخاطرات محیطی این کلان‌شهر به شمار می‌روند به گونه‌ای که آرامش و آسودگی را از شهروندان ربوده‌اند. مسئله آنجاست این دگرگونی‌ها و رخدادها که برآیند دگرگونی درجه حرارت محیط، بهره‌برداری ناستاندارد از آفت‌کش‌ها، افزایش جمعیت و برداشت فزاینده آب‌های زیرزمینی به شمار می‌روند، سرشت و کارکردی زنجیره‌وار برای بارآوری دیگر مخاطرات محیطی دارند. پیدایش و پراکنش بحران‌های محیط زیست در کشورهای مختلف، بیشتر برآیند ناتوانی در ایجاد تعادل میان توسعه، محیط زیست و کم‌توجهی به بنیادهای توسعه پایدار و عدالت محیطی است.

مخاطرات محیطی در ایران

در ایران، رخدادهایی که از آنها با عنوان بحران محیط زیست می‌توان یاد کرد، دو خاستگاه درون و برون سرزمینی دارند. خاستگاه بحران‌های برون سرزمینی معمولاً منطقه‌ای، گذرا، طبیعت‌محور و فصلی‌اند. بر همین پایه، به نظر می‌رسد دامنه خطرزایی آنها محدودتر است. از

ریزبودن مگس سفید و امکان ورود آن به دستگاه تنفسی از راه بینی و دهان می‌تواند به بروز برفروختگی و عفونت در دستگاه تنفسی فوقانی بیانجامد و زمینه را برای بروز عفونت‌های قارچی و باکتریایی فراهم کند.

در مقیاس ملی، بنیادی‌ترین عامل توزیع فضایی بحران محیط زیست، ناپایداری توسعه و توسعه نامتوازن در سازگاری و هماهنگی عوامل و متغیرهای مختلف محیطی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی است که در قالب مسئله نابرابری، فقر، چالش‌ها و مسائل اجتماعی، تضادها و نابسامانی‌های داخلی نمود یافته‌اند. از همین روست که



شده است. بر بنیاد داده‌های موجود از ورود تا خروج مگس سفید، سفیدبالک، عسلک پنبه و نام‌های دیگری که به این حشره داده می‌شود، سه سال می‌گذرد. بررسی گزارش‌ها و واکاوی سخنان کارگزاران و دست‌اندرکاران نشان می‌دهند که درباره رفتار مگس سفید پژوهشی ژرف و راهبردی انجام نشده است تا نشان دهد که این حشره چند سال زنده می‌ماند و تا چه زمان تهران تازش گاه آنهاست. آنچه مایه شگفتی است اطلاعات کم نزد دست‌اندرکاران و کانون‌های پژوهشی و دانشگاهی در مورد این پدیده و نام‌های بی‌شماری است که برای این حشره استفاده می‌شود. کارگزاران امور شهری هر روز نوید و مژده شکست لشکر مگسان سفید را می‌دهند اما گردش از غرب تا شرق تهران نشان می‌دهد که این حشرات، برخلاف تصور نه چند منطقه در تهران بلکه سراسر این کلان‌شهر را فراچنگ آورده‌اند و شهروندان و رهگذران تهرانی را می‌آزارند. هر چند تا کنون گزارشی گواه بر بیماری‌زایی آنها برای شهروندان تهرانی دریافت نشده است اما برخی پژوهش‌ها درباره این حشره نشان می‌دهند که آنها می‌توانند به علت انتقال بیماری و ویروس باعث پیدایش دردهای برای بیماران خاص شوند. بدین معنا که ریزبودن مگس سفید و امکان ورود آن به دستگاه تنفسی از راه بینی و دهان می‌تواند به بروز برافروختگی و عفونت در دستگاه تنفسی فوقانی بیانجامد و زمینه را برای بروز عفونت‌های قارچی و باکتریایی فراهم کند. این حشره با ورود به مجاری تنفسی می‌تواند باعث تحریک مخاط شده و موجب نمودهای آلرژیک مانند عطسه، سرفه، آبریزش بینی به ویژه در کودکان، کهنسالان و بیماران تنفسی و آلرژیک مانند آسم، بیماری انسدادی تنفسی مزمن و غیره شود. این در حالی است که داده‌های موجود نشان می‌دهند که آمار سفیدبالک‌ها به گونه‌ای انبوه رو به فزونی و گسترش است و رویکردها و برنامه‌های موجود در رویارویی با این پدیده فراگیر و آزارنده در مانده‌اند. به باور کارشناسان تخم‌گذاری‌های مگس سفید در مناطق غربی استان تهران، طی دو سال اخیر به بار نشسته و به پیدایش این حجم از مگس سفید در شهر تهران انجامیده است. آنها نبود دشمن طبیعی یا به دیگر سخن نابودسازی دشمنان طبیعی این حشره از راه سم‌پاشی‌های بی‌رویه برای پیکار با آفت‌های کشاورزی، افزایش گرمای هوا،

این رو، خطر اصلی متوجه دگرگونی‌های کشوری در مقیاس فروملی است. در ادامه، عوامل و زمینه‌هایی که در توزیع فضایی بحران محیط زیست کشور نقش داشته‌اند، در مقیاس کشوری بررسی می‌شوند.

موقعیت جغرافیایی کشور ایران به گونه‌ای است که پذیرای تنوع و گوناگونی در حوزه اقلیم، بارش، دما، نم، بیابان، کویر، کوهستان، دشت، جلگه و مانند آن است. به همان نسبت نیز تنوع گیاهی و جانوری آن قابل توجه است. پدیده بحران محیط زیست در ایران، پیامد موقعیت جغرافیایی و پویای آنسانی آن بوده است. متأثر از موقعیت جغرافیایی، ایران سرزمین کم آبی است که خشکسالی، پدیده ذاتی بسیاری از مناطق کشور است که گاه ممکن است چند سال هم به درازا بکشد. در نتیجه آن، زیستگاه‌ها، سکونتگاه‌ها، تالاب‌ها، دریاچه‌ها، رودها و اکوسیستم وابسته به آن، بارها نابود شده‌اند. در چند دهه اخیر، پویای انسانی در اشکال توسعه نامتوازن و کم‌توجهی به ارزیابی زیست محیطی طرح‌ها و سازه‌ها، افزایش دامنه فروسای و تخریب محیط زیست کشور را در پی داشته است.

مخاطرات محیطی شهر تهران

رخدادها و یافته‌های موجود گویای آن است که دست کم طی دو دهه اخیر توانش بوم‌شناختی کلان‌شهر تهران به شدت شکننده و فروپاشیده، به گونه‌ای که این شهر پذیرای هر گونه مخاطره



کاهش بارش، وزش تندبادها و نبود کارگزار شناخته شده برای رویارویی با این وضعیت را دلیل پیدایش و گسترش پدیده یادشده می دانند. دیگر آنکه پیامدهای برخاسته از به کارگیری روش های شیمیایی برای شهروندان، رویارویی با این چالش را ناممکن کرده است.

از زمان طرح چالش مگس سفید تا کنون از سوی شهرداری و سازمان حفظ نباتات تهران، گام هایی برداشته شده که بیشتر در قالب آب شویی برگ درختان، تله های نوری (فرمونی)، کارت، نوار و برچسب های زرد بر بدنه درختان نمود داشته است. نگاهی گذرا به نوارهای زرد تنیده بر گرداگرد درختان، نشان از جسیبده شدن شمار کلانی از مگس های سفید بر آنها دارد. چنان که پیداست این مگس ها به رنگ زرد واکنش بیشتری نشان می دهند. با این حال داده ها و دیده ها نشان می دهند که گام های برداشته شده کوتاه بوده اند و کارایی چندانی هم نداشته اند به گونه ای که این مگس ها در سراسر سال وجود دارند با این تفاوت که در دوره زمانی دارای هوای گرم، جمعیت شان به شکل میلیاردي رو به فزونی می نهد. آنچنان که پیداست تابستان گرم امسال که با دمای بیش از چهل درجه در تهران رخ داد، در پراکنش انبوه و سراسری این حشره در پایتخت نقش داشته و گام های برداشته شده برای رویارویی با این گونه بحران های مدیریت شهری را ناکام گذاشته است. آنچنان که پیداست، از این پس مگس سفید، ساکنان فصلی پایتخت نیستند و به این زودی ها نیز از تهران نخواهند کوچید و به سان موش ها به یکی دیگر از چالش های پایدار مدیریت شهری پایتخت افزوده خواهند شد و پایتخت نشینان ناگزیر پس از چندی کشمکش و کشاکش با حشرات و گرداندگان امور شهری، در پی راهکار همزیستانه ای برای زندگی با این حشرات بر خواهند آمد.

فرونشست زمین تهران

بر بنیاد داده های سازمان زمین شناسی، نزدیک به یک سوم سرزمین ایران دچار فرونشست شده است. این مسئله چالشی ملی به شمار می آید که در پیدایش آن، دگرگونی های اقلیمی و تغییر الگوی بارش در قالب کاهش و نبود مدیریت برداشت آب های زیرزمینی کارکرد بنیادی داشته اند به گونه ای که سالانه ۳۰ تا ۴۵ سانتی متر از

سطح اندوخته آب کشور کاسته می شود. یافته های موجود گویای آن است که حجمی از سطح زیرزمینی که پیش از این آکنده از آب بود با گذشت زمان و برداشت آبی که جایگزین نشده فرو می نشیند و به نابودی آبخوان می انجامد. فرونشست در ایران، چالشی ملی و نابهنگام است که در بیشتر دشت های کشور رخ نموده است و از آن رو که در برخی از مناطق شهری، این وضعیت پدید آمده و آسیب ها و زیان هایی نیز به دنبال داشته، در کانون توجه نیز قرار گرفته است. این در حالی است که از سال ها پیش موضوع فرونشست با آغاز خشکسالی های پیاپی و برداشت فزاینده از آب های زیرزمینی تشدید شده بود. بر پایه برآوردهای موجود و رویکرد برنامه ششم باید ۱۱ میلیارد متر مکعب از مصرف آب کاسته شود. چنانچه این گام با توافق وزارت جهاد کشاورزی، وزارت صنعت، سازمان محیط زیست و غیره برداشته شود، بی گمان، روند کاهش سطح آب های زیرزمینی کشور متوقف شده و شرایط بهبود می یابد. بر پایه یافته های موجود، پس از فرونشست زمین، دشت ها هرگز به حالت پیشین خود باز نمی گردند و می میرند. دشت مرده با خاک در هم فشرده و بدون روزنه توان آبرگیری خود را از دست می دهد و پس از چندی تبدیل به بیابان می شود. بر پایه آمارهای موجود در میان استان های ایران، تهران بالاترین سطح فرونشست را دارد، به گونه ای که در برخی مناطق تهران به ویژه جنوب، مرکز، دشت های غرب و جنوب غربی استان، سالانه ۳۶ سانتی متر از زمین دچار



این مناطق در آستانه فروریزش قرار می‌گیرند. به باور کارشناسان فرونشست دو تا سه سانتی متر در سال پذیرفتنی است و نشست زمین تهران را تا ۱۷ سانتی متر در سال می‌توان نگاه داشت؛ پدیده‌ای که پیش‌نیاز آن مدیریت آب است. این در حالی است که طی چند سال گذشته با راه اندازی شبکه گسترده فاضلاب و گردآوری پساب‌های شهری وضعیت پیش‌گفته، گسترش بیشتری یافته و این بار در قالب فروچاله‌ها نمود یافته است. زیرا فاضلاب یادشده در جلوگیری از پیدایش و افزایش فروچاله‌ها کارکرد بنیادی داشته‌اند. بروز سه پیشامد در بازه زمانی کمتر از سه ماه در شهر تهران؛ انفجار در شهران به علت فرونشست زمین و نشست گاز (۲۸ خرداد)، فرونشست زمین در خیابان پیامبر (ص) و انفجار تأسیسات برق زنگ خطر را در میان پایتخت‌نشینان به صدا درآورده است. طی دو ماه گذشته، گزارش‌هایی از سازمان زمین‌شناسی کشور در اختیار مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی قرار گرفته است که نشان از پیدایش فرونشست‌هایی در مناطق جنوب غربی تهران به ویژه در بزرگراه آزادگان دارد که عامل اصلی این فرونشست‌ها به برداشت بی‌رویه و غیرمجاز آب‌های زیرزمینی باز می‌گردد. از این رو، منطقه ۱۸ شهرداری در جنوب غربی تهران از دید فرونشست زمین یکی از آسیب‌پذیرترین منطقه‌های تهران است. مسیر راه آهن تهران- جنوب، تهران- اهواز، تهران- مشهد و حتی مسیر تهران- تبریز و شمال که از این منطقه می‌گذرند، با فرونشست آسیب خواهند دید و پیامدهای ملی و امنیتی گسترده‌ای در پی خواهند داشت. وضعیت یاد شده گویای آن است که به دلیل فروکاهش سطح آب‌های زیرزمینی تهران، بستر جغرافیایی این شهر روزانه یک میلی‌متر یعنی ۳۶ سانتی‌متر در سال فرو می‌نشیند. این در حالی است که این میزان نشست در هیچ جای جهان تاکنون گزارش نشده است و تهران رکورددار نشست زمین در دنیا به شمار می‌آید. بر بنیاد گزارش‌های موجود، اتحادیه اروپا نشست چهار میلی‌متری زمین در سال را بحرانی می‌داند. ادامه نشست در تهران، شریان‌های حیاتی را بر خواهد آشفت و لوله‌های آب و فاضلاب را در هم می‌شکند و با آسیب‌پذیرسازی دیگر بخش‌ها، ادامه زندگی در برخی از مناطق را ناممکن می‌سازد. ضمن اینکه لوله‌های آب و فاضلاب، گاز، دکل‌های فشار قوی برق و ساختمان‌های مسکونی و غیرمسکونی در پی نشست‌های زمین، ویران می‌شوند. این در

فرونشست می‌شود. خشکسالی و برداشت فزاینده و بی‌رویه آب از چاه‌های غیرمجاز، افزون بر خشکاندن دیگر چاه‌ها و چالش تأمین آب آشامیدنی، فرونشست زمین در دشت ورامین و دشت تهران، کرج و شهریار را در پی داشته است؛ مناطقی که تا پیش از این، قطب کشاورزی در منطقه به شمار می‌آمدند. داده‌های کارشناسان نشان می‌دهند که به دلیل نابودی آب‌خوان‌ها، دشت ورامین با پهنه‌ای افزون بر ۷۰۰ کیلومتر مربع، در سه ناحیه فرونشست زمین داشته که با توجه به نزدیکی راه آهن تهران- مشهد به این گستره، سازه‌های پیونددار با راه آهن در معرض خطر هستند. افزون بر این، با ادامه روند فرونشست‌ها، ویرانی مناطق مسکونی، سازه‌های شهری و خطرات جانی و مالی در پیش خواهد بود. به گفته کارشناسان میزان فرونشست در تهران و دشت‌های پیرامون آن از هر جای دیگر کره زمین بیشتر است. وضعیتی که در آینده نیز با توجه به کاهش حجم بارش و فزاینده‌گی برداشت از آبخوان‌ها بیشتر هم خواهد شد و افزون بر فرونشست، فروچاله نیز بر آنها افزوده خواهد شد. بدین معنا که در پی برداشت بی‌رویه در قالب کندن چاه‌های تازه و کاهش آب، زمین توان ایستادگی خود را از دست داده و از بالا به پایین فرو می‌ریزد؛ وضعیتی که در صورت نزدیکی به زیرساخت‌های شهری و سازه‌های مسکونی، آسیب‌های کلان جانی و مالی به دنبال خواهد داشت. در تهران آب‌رفت‌هایی وجود دارد که دانه‌ای هستند و چسبندگی کافی ندارند. از این رو، هنگامی که جریان آب تغییر می‌کند،



فرونشست، فروچاله و ترک‌های ژرف نمود یافته است و هر روز نیز گسترش و افزایش می‌یابد. پیامد این وضعیت خود را دست کم در تابستان امسال به صورت فروچاله در چند جای تهران نشان داد؛ وضعیتی که بی‌گمان با توجه به وضعیت موجود بارها رخ خواهد داد. بررسی پیامدهای فرونشست زمین نشان می‌دهد که نابودی شبکه‌های موجود آب، برق و گاز و غیره نخستین پیامد آن به شمار می‌رود. این در حالی است که در جابه‌جای تهران می‌توان پیامدهای تهی‌شدن آب‌های زیرزمینی را به صورت فرونشست خیابان‌ها و ترک خوردگی سازه‌ها و ساختمان‌ها دید. در بخش پدیده سفیدبالک‌ها نیز با توجه به رویکردهایی که تاکنون اعمال شده، امید چندانی به نابودی آنها نمی‌رود. از این رو، در آینده نیز گسترش بیشتری خواهند یافت و شهروندان تهرانی همچنان که به لشکر موش‌های خیابانی عادت کرده‌اند با این چالش نیز پس از مدتی کنار خواهند آمد و زندگی همزیستانه‌ای خواهند داشت. با توجه به ناتوانی شهر تهران در بازسازی توانش‌های محیطی و بوم‌شناختی‌اش در آینده نزدیک باید چشم به راه دیگر پیشامدهای طبیعی باشیم که اساساً یا ناشناخته‌اند یا نیازمند به تغییر در رویکرد مدیریت کنونی شهری به فراخور محیط زیست تهران و کنار گذاشتن رویه‌هایی است که به وضعیت موجود انجامیده است.

حالی است که در برخی مناطق تهران مانند مناطق ۱۸، ۱۷ و ۱۲، ساختمان‌ها پیوسته ترک بر می‌دارند و پی ساختمان‌ها چنین فشارهایی را بر نمی‌تابند. از جمله پیامدهای نشست‌های پیاپی زمین در تهران، آسیب‌پذیری شبکه‌های حیاتی (آب، برق و گاز)، راه‌های دسترسی، ساختمان‌های مسکونی، اداری و بازرگانی است. از این رو، جستار فرونشست چالشی بنیادی و نگران‌کننده فراروی شهر تهران است. مسئولیت پاسداشت و نگاه‌داشت منابع طبیعی، آبخیزداری و نظارت بر کشاورزی پیرامون تهران برعهده جهاد کشاورزی است. در کنار جهاد کشاورزی، توزیع آب و پایش حقایق‌ها و کنترل آب، برعهده وزارت نیرو است و این دو وزارت‌خانه متولیان کاهش چالش فرونشست و پیامدهای پیونددار با آنها هستند.

نتیجه‌گیری

شهرها نیز به سان انسان دچار بیماری و فرسودگی می‌شوند. چنانچه این بیماری درمان نشود، خواهند پژمرد و زیست‌پذیری آنها رو به کاهش می‌نهد. داده‌ها و یافته‌های موجود درباره بنیادهای زیستی و وضعیت بوم‌شناسی بسیاری از مناطق کشور گواه بر آن است که توانش بوم‌شناسی آنها رو به نابودی و ویرانی است که در این میان رویکرد بهره‌کشانه نسبت به منابع بدون توجه به توانش‌های محیطی مناطق، کارکرد جدی در فروسایمی محیط طبیعی و برآمدن مخاطرات نوپدید محیطی داشته است. افزون بر موارد برشمرده دگرگونی آب و هوا و تغییر الگوی بارش، افزایش گرمایش در فزاینده‌گی پیامدهای ناخوشایند یادشده به شدت مؤثر افتاده‌اند. برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی به نابودی آبخوان‌ها و نشست دشت‌ها انجامیده است. زمینی که دچار نشست می‌شود برگشت‌ناپذیر شده و بازسازی آن ناممکن است، اما شاید بتوان از گسترش فرونشست‌های زمین جلوگیری کرد. در این میان، شهر تهران به عنوان پایتخت که وزن ژئوپلیتیک بالایی در مناسبات ملی و فراملی دارد، به باور کارشناسان دست کم دو دهه است که توانش بوم‌شناسی خود را از دست داده و هر روز نیز فشار بیشتری بر منابع محدود و کم‌توان آن وارد می‌شود. داده‌های موجود نشان می‌دهند که نیاز فزاینده جمعیت این شهر به منابع آبی به تخلیه منابع آب زیرزمینی آن انجامیده که پیامدهای آن در قالب پیداش

